

Quarterly Journal of Health Psychology

Open
Access

ORIGINAL ARTICLE

The Paradigmatic Model of Cultural and Social Determinants of Risky Sexual Behavior among Adolescents in Tehran

Fatemeh Askari Rostami¹, Seyyed Reza Javadian^{2*}, Hossein Afrasiabi³

¹ M.A. in Social Work, Social Work and Social Policy Department, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran.

² Associate Professor in Social Work, Social Work and Social Policy Department, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran.

³ Professor in Sociology, Sociology Department, Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran.

Correspondence

Seyyed Reza Javadian

Email: javadian@yazd.ac.ir

ABSTRACT

Objective: Adolescence marks a critical developmental period characterized by profound physical, emotional, and social transformations, which often correlate with engagement in risky behaviors, particularly risky sexual behavior. In Tehran, Iran, a context where sociocultural norms heavily shape adolescents' behavioral patterns, understanding the drivers of risky sexual behavior is vital for designing culturally responsive interventions. This study employed a qualitative approach inquiry to explore the sociocultural determinants influencing adolescents' engagement in risky sexual behaviors in Tehran. By contextualizing these factors within the region's unique cultural framework, the research aims to provide nuanced insights for developing a comprehensive understanding of the phenomenon within its specific context. **Method:** This study employed a qualitative design based on grounded theory, a method well-suited for exploring complex social phenomena. Data were collected through in-depth, semi-structured interviews with 24 adolescents (12 males and 12 females) aged 14 to 20 who had engaged in risky sexual behavior. Participants were selected using snowball sampling, a technique particularly effective for reaching hard-to-access populations. Data collection continued until theoretical saturation was achieved, ensuring that no new themes emerged from the interviews. The interviews, conducted in various settings such as parks, counseling centers, and hospitals, lasted between 25 to 111 minutes. Data analysis followed the grounded theory approach, involving three stages of coding: open, axial, and selective. This process allowed for the identification of key categories and the development of a paradigmatic model that illustrates the relationships between these categories. **Results:** The analysis revealed 13 main categories and 38 subcategories, organized into causal

How to cite

Askari Rostami, F, Javadian, S.R. & Afrasiabi, H. (2025). The Paradigmatic Model of Cultural and Social Determinants of Risky Sexual Behavior among Adolescents in Tehran. Quarterly Journal Of Health Psychology, 14(1). 61-76.

conditions, contextual conditions, intervening conditions, strategies, and consequences. Causal conditions included a lack of purpose in life and excessive parental control, which were found to drive adolescents toward risky behaviors. Contextual conditions encompassed perceived poverty, migration, and the pervasive influence of virtual spaces, particularly social media and internet content, which were identified as significant factors in shaping adolescent sexual behavior. Intervening conditions involved religious and cultural restrictions, stigmatization, and fear of social judgment, which acted as barriers or facilitators of risky behavior. Adolescents employed various strategies to navigate these conditions, such as seeking safe and secluded places for intimacy and striving for deeper connections with friends. The consequences of risky sexual behavior included fear of disclosure, severe family punishments, and legal repercussions such as police intervention. The core category emerging from the data was "socio-economic constraints," which played a central role in driving adolescents toward risky sexual behaviors. This category highlighted how economic hardship and social inequality create an environment where risky behaviors become a means of coping or seeking validation. **Conclusion:** This study provides a nuanced understanding of the cultural and social determinants of risky sexual behavior among adolescents in Tehran. The findings underscore the complex interplay of factors such as economic hardship, migration, virtual space, and cultural norms in shaping adolescent behavior. The research highlights the importance of addressing these factors through targeted interventions that focus on enhancing family intimacy, improving media literacy, and providing socio-economic support to adolescents. Additionally, the study emphasizes the need for psychological and emotional support for adolescents, particularly those experiencing feelings of isolation and lack of purpose. Creating supportive social environments and implementing educational programs that address the root causes of risky behavior are crucial for mitigating the risks associated with adolescent sexual behavior. The paradigmatic model developed in this study offers a framework for understanding the dynamics of risky sexual behavior and can inform future research and policy-making aimed at promoting adolescent well-being.

KEYWORDS

Risky Behavior, Sexual Behavior, Adolescents, Family, Grounded Theory.

نشریه علمی

روان‌شناسی سلامت

«مقاله کیفی»

مدل پارادایمی برانگیزاننده‌های فرهنگی و اجتماعی رفتار پرخطر جنسی در نوجوانان شهر تهران

فاطمه عسکری رستمی^۱، سیدرضا جوادیان^{۲*}، حسین افراسیابی^۳

چکیده

مقدمه: هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل و پیامدهای فرهنگی-اجتماعی رفتار پرخطر جنسی در نوجوانان شهر تهران بوده است.

روش: روش مورد استفاده در این پژوهش از نوع کیفی با راهبرد نظریه زمینه‌ای است. مشارکت‌کنندگان پژوهش شامل ۲۴ نفر از نوجوانان دارای رفتار پرخطر جنسی در شهر تهران بوده که با استفاده از نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شده‌اند. داده‌ها با استفاده از روش مصاحبه عمیق جمع‌آوری، و به کمک روش کدگذاری نظری (باز، محوری و انتخابی) تجزیه و تحلیل شده‌اند.

یافته‌ها: به‌طور کلی در فرآیند تجزیه و تحلیل داده‌ها، ۳۸ مقوله فرعی و ۱۳ مقوله اصلی خلق شد. یافته‌های کلی حاکی از آن است که فقدان هدف و بیش کنترل‌گری به‌عنوان شرایط علی، مهاجرت، فقر ادراک شده و فضای مجازی به‌عنوان شرایط زمینه‌ای، برچسب خوردن و محدودیت‌های دینی و فرهنگی به‌عنوان شرایط مداخله‌گر در بروز رفتار پرخطر جنسی استخراج شدند. جست‌وجوی مکان امن و خلوت و تلاش برای صمیمیت زیاد با دوستان به‌عنوان راهبردهای به‌کاررفته شده توسط نوجوانان و نگرانی از گیر افتادن توسط پلیس، ترس از برخوردها و تنبیه‌های شدید خانواده و نگرانی از افشا نیز به‌عنوان پیامدهای این نوع رفتارها شناسایی شده‌اند.

نتیجه‌گیری: تأثیر متقابل شرایطی مانند مشکلات اقتصادی، مهاجرت، فضای مجازی و محدودیت‌های دینی و فرهنگی در شکل‌گیری رفتار پرخطر جنسی در نوجوانان مشخص گردید. لذا پیشنهاد می‌شود که برای کاهش این رفتارها، اقداماتی در جهت افزایش صمیمیت در خانواده‌ها و آموزش و ارتقای سواد رسانه‌ای والدین و نوجوانان انجام شود.

واژه‌های کلیدی

رفتار پرخطر، رفتار جنسی، نوجوانان، خانواده، نظریه داده بنیاد.

^۱ کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی، گروه مددکاری اجتماعی و سیاستگذاری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.
^۲ دانشیار، گروه مددکاری اجتماعی و سیاستگذاری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.
^۳ استاد، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

نویسنده مسئول:

سیدرضا جوادیان

رایانامه:

javadian@yazd.ac.ir

استناد به این مقاله:

عسکری رستمی، فاطمه، جوادیان، سیدرضا و افراسیابی، حسین، (۱۴۰۴). مدل پارادایمی برانگیزاننده‌های فرهنگی و اجتماعی رفتار پرخطر جنسی در نوجوانان شهر تهران. نشریه علمی روان‌شناسی سلامت، ۱۴(۱)، ۶۱-۷۶.

مقدمه

نوجوانی به دوره‌ای از رشد اطلاق می‌شود که بین کودکی و بزرگسالی است. به همین دلیل نوجوانی غالباً یک دوره انتقالی است. طبق نظریه هال مرحله رشدی که نوجوانی را در برمی‌گیرد، بلوغ نامیده می‌شود و تقریباً از ۱۲ تا ۲۴ سالگی ادامه دارد (بیابان‌گرد، ۲۰۱۶). در این دوره نوجوان با دو مسئله اساسی درگیر است: بازنگری و بازسازی ارتباط با والدین و بزرگسالان و جامعه، و بازشناسی و بازسازی خود به عنوان یک فرد مستقل. رفتار فرد در این دوره گاه کودکانه و گاه همانند بزرگسالان است. در طول این دوره معمولاً تعارضی بین این دو نقش در فرد مشاهده می‌شود. معیار اصلی قضاوت مردم درباره بلوغ بیشتر همان تحولات جسمی و جنسی فرد است. عمده‌ترین تغییر در این دوره رشد ظرفیت جدید، یعنی رشد جنسی و امکان تولیدمثل زیستی است. این واقعیت زیستی آثار مهمی را در تحول فرد و مناسبات او با دیگران به جای می‌گذارد (لطف‌آبادی، ۲۰۱۰: ۱۱). در همین دوره است که اغلب رفتارهای پرخطر از جمله مصرف سیگار، الکل، مواد و رفتارهای جنسی نالایمن نیز آغاز می‌شوند (مرعشیان، ۲۰۱۱).

اساساً رفتارهای پرخطر به رفتارهایی اطلاق می‌شود که احتمال نتایج منفی و مخرب جسمی، روان‌شناختی و اجتماعی را برای فرد افزایش دهد (شاه‌حسینی، حمزه گردشی، ۲۰۱۲: ۵۲). پژوهشگران دلایل مختلفی را در گرایش نوجوانان به رفتارهایی مانند رفتارهای پرخطر جنسی مؤثر می‌دانند. از عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر می‌توان به مواردی مانند فقر اقتصادی و فرهنگی، رضایت اندک از زندگی، طلاق والدین، (مادیس^۱، زولا، کبیرا، ۲۰۰۷؛ استاردی^۲ و همکاران، ۱۹۹۸) اشاره کرد. به طور مثال قربان‌علی زاده (۲۰۲۳) در پژوهشی به شیوع رفتارهای پرخطر پرداخته و بیان کرده است که بر اساس داده‌های به دست آمده، این رفتارها با افزایش شیوع روبرو بوده است و همچنین سن گرایش به این رفتارها نیز کاهش پیدا کرده است. زرقي (۲۰۲۳) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که گرایش به رفتار پرخطر جنسی در میان پسران بیشتر از دختران است. همچنین ابراهیم تبار، عمادیان و میرزاییان (۲۰۲۳) در پژوهشی اثربخش بودن برنامه‌های آموزش خانواده بر کاهش گرایش نوجوانان به رفتارهای پرخطر را مورد تأیید قرار داده‌اند. خانجانی و صداقتی‌فرد (۲۰۲۱) در پژوهشی دریافتند که بین

سازگاری اجتماعی و رفتار پرخطر جنسی دختران رابطه منفی معنادار وجود دارد. در پژوهشی پدیدارشناسه نیز مظفری و همکاران (۲۰۲۰) به این نتیجه رسیده‌اند که عوامل اجتماعی، فردی و خانوادگی فراوانی از جمله آسیب‌های اجتماعی و خانوادگی، رسانه‌ها و فضای مجازی، سابقه رفتار جنسی پرخطر در خانواده، غفلت والدین، نقش دوستان و همسالان، محدودیت شادی محیط در گرایش به رفتار جنسی پرخطر نقش دارند. همچنین البرزی و همکاران (۲۰۱۹) در یک پژوهش کیفی دریافتند که بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی با رفتارهای جنسی پرخطر رابطه معکوس وجود دارد و در نتیجه تقویت سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی می‌تواند در کاهش رفتارهای جنسی جوانان شهر شیراز نقش داشته باشد. لین و لیو^۳ (۲۰۲۰) در پژوهشی دریافتند که فضای مجازی و استفاده از محتوای جنسی، می‌تواند به عنوان یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های اصلی در میان نوجوانان پسر به گرایش رفتار پرخطر جنسی باشد. یافته‌های پژوهش کوساسی^۴ و همکاران (۲۰۲۱) نیز نشان می‌دهد که در میان نوجوانان پسر عواملی مانند سن نوجوان، محل اقامت وی، فضای مجازی و استفاده از اینترنت در گرایش آنان به رفتار جنسی پرخطر نقش دارند، در حالی که در میان دختران این عوامل به شدت پسران در گرایش آنان به رفتار جنسی پرخطر نقش ندارند. نتایج پژوهش بروکس^۵ و همکاران (۲۰۱۷) نیز نشان داد که ارتباط میان اختلال سلوک و الکل و سوءمصرف سایر مواد قبل از روابط جنسی در نوجوانان قوی‌تر است و دختران با پیشینه اختلال سلوک بیشتر امکان دارد درگیر روابط جنسی حفاظت نشده و همچنین داشتن سه یا بیشتر از سه شریک در طول سه ماه شوند. اما این اختلال در پسران موجب مصرف مواد پیش از رابطه جنسی می‌شود.

با این وجود همچنان مدل تبیینی مناسبی از رفتار پرخطر جنسی به خصوص در جامعه ایران وجود ندارد و عمده تحقیقات پیشین در ایران بر روی متغیرهایی انجام گرفته‌اند که بیشتر مبین ویژگی‌های سبک زندگی غربی است. به طوری که این تحقیقات به مسائل خاص فرهنگی و اجتماعی ایران توجه کمتری داشته‌اند. علاوه بر این کمتر پژوهشی را می‌توان یافت که موضوع عوامل مؤثر بر این پدیده را از دریچه نگاه افراد درگیر بررسی کند. بررسی کیفی عوامل مؤثر بر رفتار پرخطر جنسی می‌تواند زوایای

3. Lin & Liu

4. Kosasih

5. Brooks

1. Madise

2. Strathdee

تکرار بیافتد و مفهوم و مقوله تازه‌ای از داده‌ها قابل استخراج نباشد.

گردآوری و تحلیل داده‌ها

در این مطالعه جهت جمع‌آوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه نیمه ساختاریافته و تعاملی به صورت انفرادی استفاده شده است. یعنی در عین حالی که محورهای اصلی پرسش مشخص بود و از قبل در مورد آن تصمیم‌گیری شده بود، گاهی با توجه به مباحث مطرح شده از سوی مصاحبه‌شوندگان، مصاحبه را تا حدی آزاد گذاشته و اجازه داده می‌شد تا آنان به هر شکل و با هر عمقی که قادرند از نوع روابط جنسی خود بگویند. مصاحبه‌ها در مکان‌های مختلف مانند پارک‌ها، مراکز مشاوره و بیمارستان آیت‌الله طالقانی تهران انجام گرفت. زمان مصاحبه نامحدود بوده و بستگی به وضعیت مصاحبه‌شوندگان داشت و به طور میانگین بین ۲۵ تا ۱۱۰ دقیقه به طول انجامیده است.

تحلیل داده‌های به دست آمده براساس منطق نظریه زمینه‌ای در قالب سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شده است. بنابراین، نخستین مرحله کدگذاری باز بود، در مرحله کدگذاری باز، مفاهیم اولیه استخراج شدند. هدف در مرحله کدگذاری محوری نیز برقراری رابطه بین طبقه‌های تولیدشده (در مرحله کدگذاری باز) است و در مرحله آخر از کدگذاری انتخابی استفاده شده است. در این کدگذاری در بیان دسته‌بندی‌های گوناگون، یک دسته به عنوان هسته و مرکز برگزیده شد و بین دسته‌های دیگر با دسته دیگر مرکزی ارتباط برقرار گردید.

پس از آن نوبت به طراحی مدل نظری و پارادایمیک مبتنی بر داده‌ها رسید که دارای سه بُعد شرایط (زمینه‌ها)، تعاملات و پیامدها بود. بعد شرایط در قالب سه وجه شرایط علی، زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر در نظر گرفته شد. در عمق داده‌ها تحلیل صورت گرفت و آن‌ها در قالب نظریه‌ای ارائه شدند. در این فرایند پس از تعیین مقوله‌ی محوری، سایر مقوله‌های نزدیک به مقوله‌ی محوری در قالب یک الگوی پارادایمی ترسیم گردید.

یافته‌ها

در نتیجه فرایند تحلیل و کدگذاری مصاحبه‌ها، مفاهیم استخراج شده در قالب سیزده مقوله اصلی تدوین شده‌اند. همچنین مقوله هسته پژوهش «فرار از محدودیت‌های اجتماعی اقتصادی با رفتار پرخطر» در مرحله کدگذاری گزینشی و براساس مقوله‌های اصلی پژوهش حاصل شد. جدول ۱. مقوله‌های اصلی و فرعی تحقیق و نقش پارادایمی مقولات اصلی را نشان می‌دهد.

مغفول مانده فرهنگی- اجتماعی این پدیده را در جامعه ایران بیش از پیش روشن سازد.

بنابراین در پژوهش حاضر، محقق در چارچوب پارادایم برساختی تفسیری به موضوع نگاه می‌کند و به جای دوره‌ی جوانی بر دوره‌ی نوجوانی توجه دارد. در نهایت به جای استفاده از روش پیمایشی از روش نظریه زمینه‌ای به مطالعه مسئله می‌پردازد. بنابراین تحقیق حاضر که به شناسایی ماهیت و عوامل تبیین کننده این رفتار در بافت فرهنگی ایران می‌پردازد، می‌تواند زمینه‌ساز طراحی مداخلات مؤثر مبتنی بر بافت باشد.

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق، یک پژوهش کیفی و از نوع نظریه داده بنیاد است که به دنبال تبیین تفهیمی رفتار نوجوانان در زمینه رفتار پرخطر جنسی‌شان در جامعه است. پژوهش حاضر از نوع تحقیقاتی است که در آن، پژوهشگر به جای آزمودن تئوری‌ها در قالب فرضیات مختلف، به بررسی و تدوین یک چارچوب مفهومی جدید می‌پردازد. جامعه این پژوهش شامل نوجوانان ۱۲ تا ۲۰ سال دارای رفتار پرخطر جنسی ساکن در شهر تهران است. میدان مورد مطالعه این پژوهش شهر تهران می‌باشد. همچنین در این پژوهش، مطابق نظر محمدپور (۲۰۱۱: ۲۷)، نمونه‌گیری و تجزیه و تحلیل به موازات هم انجام گرفت و تجزیه و تحلیل، راهنمای گردآوری داده‌های بعدی شد. جهت انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری هدفمند و نمونه‌گیری گلوله برفی و برای گردآوری داده‌های مناسب از روش نمونه‌گیری نظری استفاده شد. به این شکل که انتخاب برخی از نفرات براساس اطلاعات موجود از آنان بوده است و برخی دیگر به شکل گلوله برفی و معرفی توسط نفرات قبلی و مراکز روانشناسی انتخاب شده‌اند. نکته مهم در انتخاب این افراد داشتن رفتار جنسی پرخطر با جنس مخالف و همچنین تمایل به بیان آن در قالب یک مصاحبه عمیق بوده است. در نهایت ۲۴ نفر از نوجوانان که از این تعداد ۱۲ نفر پسر و ۱۲ نفر دختر بوده‌اند، به منظور به دست آوردن اطلاعات اولیه از آنان مصاحبه به عمل آمد. همچنین مصاحبه‌شوندگان در بازه سنی ۱۴ تا ۲۰ سال بوده‌اند و به تبع از جهت تحصیلات نیز دانش آموز یا دانشجو بوده‌اند. در این روش نمونه‌گیری، پژوهشگر در جستجوی نوجوانانی بود که رفتار پرخطر جنسی را تجربه کرده و همچنین تمایل به بیان آن را داشتند. نمونه‌گیری از افراد تا زمانی ادامه یافت که داده‌ها به اشباع برسد. اشباع نظری، هنگامی رخ می‌دهد که داده‌های جمع‌آوری شده به

جدول ۱. مقوله‌های اصلی و فرعی پژوهش و نقش پارادایمی مقولات اصلی

مقوله‌های فرعی	مقوله اصلی	نقش پارادایمی
ارتباط با دختر راهی برای پر کردن اوقات بیکاری، وضعیت بیکاری در جامعه و بی‌ارزش بودن ادامه تحصیل، تأثیر بیکاری و تورم بر نداشتن تفریح مناسب و اعتیاد و رفتارهای جنسی	فقدان هدف	شرایط علی
سختگیرهای خانواده در انتخاب دوست و با دوستان، بیش کنترل گری، کنترل شدید پدر خانواده و تلاش برای گول زدن پدر، نظر بسیار منفی خانواده به رابطه با پسر و تمایل به کنترل زیاد دختر	بیش کنترل گری	
تأثیر تماشای فیلم پورن، تأثیر ماهواره	فضای مجازی	شرایط زمینه‌ای
فیلم‌ها و کلیپ‌های شبکه‌های اجتماعی، اینترنت، ارتباط در فضای مجازی، تجربه سکس در فضای مجازی، فضای مجازی به عنوان محرک جنسی		
تأثیر اقتصاد جامعه در شروع رابطه، تصور بد از شرایط اقتصادی جامعه، کسب پول برای رابطه جنسی در صورت فقر، ارتباط با پسر پولدار در صورت وضع مالی بالا، تعدد رابطه جنسی در صورت وضع اقتصادی بالاتر.	فقر ادراک شده	
تأثیر مهاجرت به تهران بر روابط جنسی، مهاجرت اجباری پدر به تهران برای پیدا کردن کار	مهاجرت	
تأثیر دین و آموزه‌های دینی بر عدم تمایل به رابطه جنسی، ترس از نگاه مردم جامعه به رابطه جنسی تحت تأثیر دین، ترس از نگاه دینی جامعه به دختران بدون بکارت، تأثیر چهارچوب‌های دینی جامعه، ترس از نگاه فرهنگی جامعه به دختران بدون بکارت، تأثیر چهارچوب‌های فرهنگی جامعه.	محدودیت‌های دینی و فرهنگی	شرایط مداخله‌گر
نظر منفی دیگران به رفتارهای جنسی، ترس از مورد شماتت قرار گرفتن توسط دیگران	برچسب خوردن	
ترس از دست دادن گروه دوستی و همسالان در میان دختران، نگرش منفی دیگران به دختر و آبروریزی، پیامد اجتماعی رابطه		
اهمیت امنیت مکان به دلیل ترس از مورد سوءاستفاده واقع شدن، برنامه‌ریزی برای فراهم بودن مکان امن، اهمیت عدم حضور نفر سوم در مکان رابطه، اولویت مکان سر بسته و امن برای رابطه	جست‌وجوی مکان امن	کنش - تعامل (استراتژی‌ها)
در اختیار گذاشتن منزل توسط بستگان پسر، برقراری رابطه در منزل دوستان و همکلاسی‌ها، قرار ملاقات در مکان‌های خلوت، برقراری رابطه جنسی در کوچه‌های خلوت	جست‌وجوی مکان خلوت	
لذت‌بخش بودن در جمع دوستان	تلاش برای صمیمیت زیاد با دوستان	
گذراندن همه اوقات با دوستان.		

ارزش قائل بودن برای مفهوم دوستی.

ارتباط عالی و شاد با دوستان.

رابطه خیلی خوب با دوستان و همسالان.

پیامدها

نگرانی از افشا

نگرانی از نحوه برخورد شوهر بعد از ازدواج و احتمال فروپاشی زندگی مشترک برای دختر.

ترس از ازدواج اجباری بعد از افشا شدن رابطه جنسی.

بی‌اعتمادی به دو جنس.

ترس از برخوردها و تنبیه‌های شدید خانواده

محدودیت بیشتر در خانواده.

ترس از افشا شدن و فهمیدن خانواده.

فاصله گرفتن از خانواده.

ترس از نحوه مواجهه شدن با افکار سنتی خانواده.

نگرانی از گیر افتادن توسط پلیس به عنوان

پیامد قانونی

نگرانی زیاد از گیر افتادن توسط پلیس.

ترس از سابقه دار شدن.

ترس از دستگیر شدن توسط پلیس و رشوه دادن به آنان.

ترس از دوستان و همسایگان پسر در لو دادن به پلیس در خانه پسر.

نگرانی از لو رفتن در زمان برقراری رابطه.

شرایط علی

شرایط علی در اصل سبب بروز پدیده می‌شوند. شرایط علی مدل پارادایمی شامل فقدان هدف و بیش کنترل‌گری می‌باشد.

فقدان هدف

جهت‌مندی و داشتن هدف مشخص در زندگی از عوامل محافظت‌کننده افراد در برابر آسیب‌های روانی و اجتماعی است. افراد هدفمند معمولاً رفتارها و پیامدهای رفتار خود را با اهداف خود مقایسه می‌کنند و نوعی عاقبت‌اندیشی در تمامی رفتارهای آنان وجود دارد. همچنین این جهت‌مندی منجر به افزایش هیجانات مثبت و انگیزش بالاتر در آنها می‌شود. به همین نسبت، فقدان هدفمندی در زندگی فرد را به روزمرگی، بی‌حوصلگی و تجربه یکنواخت زندگی می‌کشاند و این یکنواختی خود مولد تجربه هیجانات منفی است و فرد برای رهایی از این

احساسات ناخوشایند که مدیریت صحیح آنها را نیاموخته است، به سمت راهبردهای تنظیم هیجانی ناسازگار و پرهزینه به لحاظ فردی و اجتماعی گام برمی‌دارد. شرایط اجتماعی نیز این فقدان جهت‌مندی را تبیین می‌کند. بیکاری فزاینده و محدود بودن مسیرهای جامعه برای رسیدن به موفقیت‌های شغلی، حرفه‌ای و اجتماعی از عوامل بیرونی فقدان هدفمندی در نوجوانان است. برای مثال عماد ۱۷ ساله در پاسخ به این سؤال که اوضاع جامعه چگونه و در آینده اوضاع خودش چگونه می‌شود؟ گفته است:

« والا اوضاع جامعه که همه می‌گن خوب نیست دیگه. یعنی من الآن به آیندم و اینکه چه کاری داشته باشم فکر می‌کنم. ولی الآن هرکی رو می‌بینم تو فامیل خودمون پسرای که رفتن دانشگاه درس خوندن هیچ کدومشون کاروبار درست و حسابی ندارن. وضعیت خوبی نیست. هیچکی راضی نیست دیگه. جوونا

در جستجوهای اینترنتی، سردرگمی و رنگ باختن اخلاق و معنویت در کنار دلبستگی‌های کاذب، از دیگر آثار فراگیر این فضا به حساب می‌آید. در این میان نوجوانان نسبت به دیگران مخاطبی آسیب‌پذیرتر به نظر می‌رسند. چراکه از یک طرف افزایش جستجوهای اینترنتی و شبکه‌های مجازی و از طرف دیگر عدم آگاهی صحیح نسبت به آسیب‌های فضای مجازی و ناتوانی در کنترل کامل خانواده‌ها می‌تواند آسیب‌های فراوانی برای نوجوان به همراه داشته باشد.

بر همین اساس و پس از تحلیل و بررسی مصاحبه‌ها به نظر می‌رسد با گسترش اینترنت و در دسترس بودن فضای مجازی برای نوجوانان، این عامل هم از عوامل راه‌انداز و تحریک‌کننده جنسی در میان نوجوانان به شمار می‌رود. برای مثال یوسف ۱۶ ساله در ارتباط با فضای مجازی گفته است:

«تو اینستاگرام و تو فیلم‌هایی که می‌بینی مثلاً باعث تحریک همیشه انگاری شاید نخوای اصلاً اونو باز کنی ها. میری تو این ذره بینش می‌بینی ای بابا چقدر زیاد شده. این جوریه. داشتن فیلم تو گوشتی مسلوویه با خود ارضائی اینو مطمئنم، یعنی داشته باشی باید بکنی و سوسه میشی هی بری نگاه کنی. یا تو کامپیوترم همین‌طور داشته باشی هی و سوسه میشی. این جوریه، بگی حالا نگاه کنم اینسری این کارو نمیکنم ولی نگاه کنی باید خود ارضایی کنی، دست به مهره حرکت میشه».

فقر ادراک شده

اکثر نوجوانان شرایط نامناسب اقتصادی جامعه و ناتوانی از ازدواج کردن را در گرایش خودشان به رفتار جنسی تأثیرگذار دانسته‌اند و تصور بد از شرایط اقتصادی جامعه را در شروع رابطه دخیل دانسته‌اند. از طرف دیگر وضعیت اقتصادی جامعه در کم و کیف گرایش آن‌ها به رفتار جنسی مؤثر بوده است. بدین شکل که اگر وضعیت اقتصادی بهتر و مناسب‌تری در جامعه وجود داشت با افزایش تمایل پسران برای ازدواج، میزان گرایش آنان به رفتار جنسی پرخطر کاهش پیدا می‌کرد و یا گرایش آنان به رابطه به نوعی تعدیل می‌شد و یا به شکل کنترل‌شده‌تری ادامه پیدا می‌کرد. هم‌چنین تمایل به خودفروشی در میان دختران در صورت اوضاع اقتصادی نامناسب‌تر اجتماعی دیده شد. برای مثال مریم ۱۷ ساله در پاسخ به سؤال وضع اقتصادی جامعه چه تأثیری برا

همه دارن ول می‌چرخن تو خیابونا. دائم دارن با دخترا لاس می‌زنن. وقتی انقد بیکارن و کاری ندارن که مشغول باشن مسلماً میرن سراغ دخترا و ولگردی تو پارک‌ها. از لاس زدن شروع میشه و به رابطه هم ختم میشه».

بیش کنترل‌گری

سبک فرزند پروری عامل مهمی است که می‌تواند نوجوان را به طرف رفتارهای مخاطره آمیز سوق دهد یا بازدارد. والدینی که فرزندان خود را خیلی آزاد می‌گذارند و راهنمایی دقیقی ارائه نمی‌دهند و محدودیت‌های واضحی را وضع نمی‌نمایند سبب ایجاد زمینه برای ایجاد خطر هستند. از سوی دیگر والدینی که بیش کنترل‌گر هستند یعنی بسیار کنترل‌کننده می‌باشند و دلیلی را برای دستوراتی که صادر می‌کنند به فرزندان خود ارائه نمی‌دهند و از آنان می‌خواهند بدون چون و چرا از این دستورات اطاعت کنند و یا با فرزندان خود احترام‌آمیز برخورد نمی‌کنند. حس مسئولیت را در فرزندان خود شکل نمی‌دهند. این‌ها نوجوانانی خواهند داشت که در معرض خطر رفتار پرخطر جنسی قرار می‌گیرند. برای مثال شیدا ۱۵ ساله در پاسخ این سؤال مصاحبه که آیا دیگران به خصوص اطرافیان مهم روی این رفتارها تأثیر داشته‌اند؟ اگر داشته‌اند چگونه؟ گفته است:

«و همین‌که مادر و پدرم خیلی سخت گیرن. و اصلاً حوصله حرف زدن با اونا رو ندارم. وقتی میان خونه حس بدی دارم و فکر می‌کنم تنها باشم بهتره تا اینکه اونا هم باشن. خیلی بکن نکن و بایدونباید دارن. اصلاً نمیدونن که با یه نوجوون باید چه جور رفتار کنن. مثلاً تحویل‌کرده هم هستن و همین اعصاب منو بیشتر خورد میکنه. بالاینکه هر دوشون تو دبیرستان کار میکنن اما حس می‌کنم با ویژگی‌های این سن آشنایی ندارن. فقط دوست دارن حکم رانی کنن».

شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای مدل پارادایمی شامل فضای مجازی، فقر ادراک شده و مهاجرت است.

فضای مجازی

فضای مجازی گذشته از مزایایی که دارد، در صورت عدم استفاده مناسب دارای آسیب‌هایی فراوانی است. از جمله این آسیب‌ها می‌توان به روبرو شدن کاربران با جذابیت و تنوع غیرقابل وصف

مصاحبه‌شوندگان از برخی از محدودیت‌های دینی و فرهنگی به‌عنوان عوامل محدودکننده در گرایش به رفتار جنسی پرخطر نام‌برده‌اند. در اکثر مصاحبه‌ها، مصاحبه‌شوندگان از تأثیرات چهارچوب‌های دینی و فرهنگی جامعه به‌عنوان عاملی محدودکننده نام‌برده‌اند. این مسئله در میان دختران به‌نوعی مشهودتر وجود داشت. دختران تحت تأثیر فرهنگ دینی جامعه و الزامات فرهنگی و دینی حفظ بکارت، رفتار جنسی خود را تنظیم می‌کردند. به عبارت دیگر مسئله حفظ بکارت به دلیل حساسیت‌های دینی و فرهنگی موردتوجه ویژه دختران بوده است. به عبارت دیگر برخی از محدودیت‌های دینی و فرهنگی موجب می‌شدند که مصاحبه‌شوندگان به‌نوعی در رابطه جنسی خود تجدیدنظر کنند و یا از برقراری رابطه منصرف شوند. این محدودیت‌ها نقشی بازدارنده در بین مصاحبه‌شوندگان داشته است، که در برخی از موقعیت‌ها باعث می‌شده است که آنان از انجام رفتار جنسی و برقراری رابطه خودداری کنند. برای مثال نفیسه ۱۷ ساله در پاسخ به سؤال به نظر تو این طرز فکر اجتماعی ایرانی‌ها هم تأثیر داشته رو اینکه این رابطه رو داشتنی باشی با پسر؟ محدودیت‌های فرهنگی جامعه را عاملی برای کاهش تمایل خود به انجام رابطه جنسی دانسته است.

«دوست پسران تمایل به رابطه واژنی داشتن ولی من هیچ‌وقت علاقه‌ای به این رابطه نداشتم. رابطه جنسی و اینا ولی تو ایران بد میدونن شاید مثلاً با خودم فکر می‌کنم حتماً اینی که اینجور قرار دادن یه چیزی می‌دونستن میگن که مثلاً توی ایران نباید اینجور باشه آبروریزی به خطر افتادن جامعمون».

برچسب خوردن

نتایج تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها مبین آن است که اکثر مصاحبه‌شوندگان نگران نظر منفی دیگران به رفتارهای جنسی، ترس از مورد شماتت قرار گرفتن توسط دیگران، ترس از دست دادن گروه دوستی و همسالان در میان دختران، نگرش منفی دیگران به دختر و آبروریزی، تنفر فامیل از رابطه جنسی و احساس خجالت جلوی آن‌ها، نظر منفی افراد سنتی به رابطه جنسی، انگشت‌نما شدن و نگرانی از قضاوت‌های دیگران بودند. به عبارت دیگر مصاحبه‌شوندگان نگران برچسب‌هایی مانند هرزه، خراب بودن و مورد سرزنش قرار گرفتن در میان فامیل، خانواده و

رابطه‌ات داشته؟ جامعه ما اگه مثلاً بهتر بود یا کمتر بود با این شکل رابطه‌ای که شما باهم دارید تو با پسر با دوست پسران داری تأثیر داشت به نظرت؟ گفته است:

«به نظرم وضع اقتصادی جامعه‌مون اصلاً خوب نیست و این روی رفتارمون تأثیر داره. اگه وضع اقتصادیمون بهتر بود شاید مثلاً یه جور دیگه بود مثلاً دیگه باهاش رابطه نداشتم مثلاً همینجوری باهاش دوست می‌شدیم بیرون اینا با همدیگه میرفتیم و اینا این کارا رو نمی‌کردیم ولی خب الان».

مهاجرت

مهاجرت به‌عنوان یک پدیده جمعیتی- اجتماعی دارای تأثیرات فرهنگی و روانی زیادی می‌باشد. به نظر می‌رسد مهاجرت از لحاظ فرهنگی و هنگامی که در یک محیط بزرگ‌تر و با فرهنگی متفاوت‌تر اتفاق افتد و همچنین از آنجایی که فرد در چنین محیطی کمتر شناخته شده است، میزان گرایش به چنین رفتاری در وی بیشتر می‌شود. از طرف دیگر به نظر می‌رسد مهاجرت از طریق جدایی فرد با دل‌بستگی‌های روانی خویش بر گرایش فرد به جایگزینی روانی اعمالی این چنین منجر شود. در خلال بررسی و تحلیل مصاحبه‌ها مهاجرت به تهران و علی‌الخصوص مهاجرت اجباری به دلیل شغل پدر به یک شهر بزرگ‌تر و با فرهنگی متفاوت‌تر و ناشناختگی بیشتر و همچنین تأثیر دوستان و همسالان در محیط جدید باعث گرایش برخی از مصاحبه‌شوندگان به رابطه جنسی عمیق‌تر در محیط جدید شده است. برای مثال یوسف ۱۶ ساله در پاسخ به سؤال این کوچ یا مهاجرت هم به نظرت تأثیری تو رابطه داشت؟ گفته است:

«از وقتی که خونه‌مون اومد تهران، روابطم هم خیلی تغییر کرد. تو تهران مدل روابط با شهر ما فرق می‌کنه. اونجا که بودیم دوستی‌ها ساده و معمولی بود. اما تو تهران روابط خیلی بیشتره و دختر پسران راحت روابط جنسی داشتن با هم.»

شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر شامل موارد روبرو است: محدودیت‌های دینی و فرهنگی، افشا و برچسب خوردن.

محدودیت‌های دینی و فرهنگی

در خلال بررسی و تحلیل مصاحبه‌ها دریافته شد که اکثر

جست‌وجوی مکان خلوت

مکان خلوت، دیگر مقوله مرتبط با فراهم بودن موقعیت است. درحالی‌که امنیت مکان به سربسته بودن و عدم حضور شخص سومی در مکان رابطه و احساس امنیت از بودن در محل اشاره دارد، خلوت بودن مکان به خلوتی مکان رابطه در محل‌های باز و در زمان عدم وجود مکان امن و سربسته تأکید دارد. مکان خلوت در صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان، مکان‌هایی مانند پارک‌های و کوچه‌های خلوت، مکان‌های بیرون از شهر و برقراری رابطه در چنین مکان‌هایی اشاره دارد، که بعضاً در چنین مکان‌هایی رابطه جنسی به شکل کامل اتفاق نمی‌افتاد. درحالی‌که بر اساس صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان اولویت آن‌ها وجود مکان امن و سربسته است، اما در شرایطی مانند فراهم نبودن چنین مکانی و احساس نیاز به برقراری رابطه و یا برای کسب تجربه جدید از برقراری رابطه، برخی از مصاحبه‌شوندگان به برقراری رابطه در چنین مکان‌هایی دست زدند. این مسئله در صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان مشهود است:

آیدا ۱۷ ساله در پاسخ به سؤال در چه مکان‌هایی رابطه برقرار می‌کنید؟ به شکل زیر پاسخ داده است:

«اولیش که گفتم تجاوز بود خونه بود. دومیشم باغ بود. سومیشم باز خونه بود. مثلاً خونه بود. باز خونه بودش. یکیشون مغازه داشت. قهوه خونه بودش. طبقه بالاش خالی بودش. تختی بودش. افراد خاصی می رفتن اونجا. آشنا بودن. قرار داشتن. می بردشون اونجا».

تلاش برای صمیمیت زیاد با دوستان

پس از بررسی و تحلیل مصاحبه‌ها صمیمیت زیاد با دوستان در میان اکثر مصاحبه‌شوندگان شناسایی شد. مصاحبه‌شوندگان برای مفهوم دوستی و رفاقت در میان هم‌جنسان خود ارزش قائل بودند. به‌نحوی‌که گاهی حاضر بودند برای رضایت دوست خود هر کاری انجام دهند. آنان از بودن در جمع دوستان حس بسیار خوبی داشتند و اکثر مصاحبه‌شوندگان رابطه خیلی خوب با دوستان و همسالان خود را گزارش کردند. همچنین در زمانی که آنان از بودن در خانواده و ناراحت و عصبانی از بودن از برخوردهای خانواده اذیت می‌شدند، رامحل را در بودن در گروه دوستی و

افراد جامعه بودند. به عبارت دیگر ترس و نگرانی از برچسب‌های منفی که توسط دیگران به آنان نسبت داده می‌شود، به عنوان یک عامل بازدارنده گرایش به رفتار پرخطر جنسی بیان شده است و مصاحبه‌شوندگان نگرانی از این برچسب‌های منفی را به عنوان عاملی بیان کرده‌اند که در کاهش گرایش‌شان به رفتار جنسی پرخطر نقش داشته است. برای مثال گفته رزیتا ۱۷ ساله در پاسخ به سؤال روابط شما با خانواده، همسالان و سایر افراد جامعه چگونه بوده است؟ و الآن به چه صورت است؟ گفته است:

«بعد از اینکه رابطه‌ام رو تو مدرسه و مشاور همه فهمیدن هرکی می‌رفت پیش مشاوره مدرسه منو براش مثال می‌زد. بعد اینکه مادرم همه این چیزارو برای فامیل هم تعریف کرد. الآن فامیل دیگه به کل ازم متنفرن اصلاً نمیتونم سرم رو جلوشون بالا نگه دارم».

کنش - تعامل (استراتژی‌ها)

استراتژی‌ها و راهبردها شامل موارد پیش رو است: جست‌وجوی مکان امن، جست‌وجوی مکان خلوت و تلاش برای صمیمیت زیاد با دوستان.

جست‌وجوی مکان امن

توجه به امنیت مکان برای انجام رفتار جنسی از ویژگی‌های بارز اکثر مصاحبه‌شوندگان بود. تجربه اکثر دختران در برقراری رابطه‌های جنسی در منزل پسر به دلیل اعتماد به پسر بوده است. همچنین اهمیت امنیت مکان و اهمیت عدم حضور نفر سوم در مکان رابطه به دلیل ترس از مورد سوءاستفاده واقع شدن برای دختران مهم بوده است. به همین دلیل مصاحبه‌شوندگان برای فراهم بودن مکان امن قبل از برقراری رابطه جنسی برنامه‌ریزی می‌کردند. علیرغم آنکه برخی از مصاحبه‌شوندگان تجربه رفتار جنسی را (البته بیشتر به صورت رابطه سطحی) در مکان‌های دیگر مانند پارک‌ها، ماشین، و مکان‌های خلوت مانند کوچه‌های خلوت گزارش کرده‌اند، اما لزوم امنیت آن مکان‌ها را بیان کرده‌اند. مثلاً فرشته ۱۸ ساله در پاسخ به سؤال اینکه همیشه باید جایی که می‌خوای رابطه داشته باشی، باید امن باشه؟ گفته است:

«آره خیلی مهمه. مخصوصاً برای من که اولین سالمه دارم این کارو انجام می‌دم دوست ندارم بی‌آبرو شم».

هامون بفهمن، شاید مثلاً به اتفاق دیگه‌ای برامون بیفته، بعد ازدواج خب وقتی شوهرمون بفهمه برا خودمون مشکل ایجاد میشه، زندگیمون از هم میپاشه. مثلاً برا ما خواستگاری چیزی بیاد همش می‌ترسیم که مثلاً به موقع اون بفهمه یا مثلاً خیلیا هستن قبل ازدواج مثلاً دختر و میبرن آزمایشو اینا... می‌ترسیم که ببرنمون آزمایشو اینا».

ترس از برخوردها و تنبیه‌های شدید خانواده

نتایج تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها مبین آن است که اکثر مصاحبه‌شوندگان نگران برخوردهای خانواده در صورت فهمیدن رابطه‌شان بوده‌اند. در اکثر مصاحبه‌ها، نوجوانان نگران دعوا با خانواده، محدودیت بیشتر در خانواده، فاصله گرفتن از خانواده، نحوه مواجهه شدن با افکار سنتی خانواده بوده‌اند. بعضی از مصاحبه‌شوندگان احتمال فرار کردنشان از خانواده را در صورت برخوردهای شدید خانواده زیاد دانسته‌اند. سهراب ۱۷ ساله در همین زمینه گفته است:

«از نظر خانوادگی هم آره داره. پدر خیلی خشنی دارم. پدرم رو در میاره. گردنم رو میزنه. چون خیلی حساسه. هیچ چیزم حالیش نیست وقتی عصبانی میشه. یک بار کلاس زبان رفتم و بهش دروغ گفتم که رفتم و فهمید با کمر بند سیاه و کبودم کرد جووری که تا دو هفته نمی‌توانستم از جام بلندشم. هرچی مامانم گریه کرد و التماس کرد فایده نداشت. حالا چه برسه به این کار. اون موقع حتماً می‌کُشه منو».

نگرانی از گیر افتادن توسط پلیس به عنوان پیامدهای قانونی در خلال بررسی و تحلیل مصاحبه‌ها نگرانی زیاد از گیر افتادن توسط پلیس و ترس از سابقه دار شدن به عنوان اصلی‌ترین پیامد قانونی رابطه جنسی برای مصاحبه‌شوندگان بود. مصاحبه‌شوندگان به طرق مختلف ترس از گیر افتادن توسط پلیس را بیان کردند. از نظر مصاحبه‌شوندگان گیر افتادن توسط پلیس سرآغاز پیامدهای سخت دیگری، همانند فهمیدن خانواده‌ها، روبرو شدن با خانواده-ها، ازدواج اجباری، ترس از سابقه دار شدن و مشکل شدن پیدا کردن کار مناسب در آینده و مواردی از قبیل می‌باشد.

برای مثال شیدا ۱۹ ساله در پاسخ به سؤال آیا در مورد پیامدهای شخصی، قانونی، اجتماعی، خانوادگی این رفتار

همسالان می‌دانستند و لذت بخش بودن در جمع دوستان بودن را در اکثر مصاحبه‌ها بیان کرده‌اند. مصاحبه‌شوندگان در مقایسه گروه دوستی با خانواده و فامیل، اولویت رابطه بسیار عالی‌تر، مناسب‌تر، بهتر و شادتر را به بودن در گروه دوستی می‌دادند. در این میان برخی از مصاحبه‌شوندگان تمایل شدیدی به گذراندن تمام اوقات خود با دوستانشان داشتند و بیان می‌کردند زمانی که در خانواده هستند، هیچ تمایلی به برقراری ارتباط با اعضای خانواده ندارند. برای مثال کیوان ۱۷ ساله در پاسخ به سؤال روابط شما با خانواده، همسالان و سایر افراد جامعه چگونه بوده است؟ و الان به چه صورت است؟ گفته است:

«رابطه‌ام با خانوادم که هیچ وقت خوب نبوده آخریا سر عوض کردن خونه کلاً بدتر شده ولی با دوستانم خیلی خوب بوده. الانم خیلی خوبه. اصلاً من به خاطر اونا تو خونه دعوا کردم و زدم ظرفا رو شکوندم. چون نمی‌خواهم ازشون جدا شم. اونا اگه خونه رو ببرن غرب تهران من دیگه نمیتونم دوستانم و ببینم. با اینا به من خوش می‌گذره».

پیامدها

پیامدهای رابطه جنسی به نوعی همان نگرانی‌ها و ترس‌های مصاحبه‌شوندگان از نتایج بالقوه رابطه جنسی و تأثیراتی که این مسئله می‌تواند بر جنبه‌های گوناگون زندگی آن‌ها بگذارد، می‌باشد. این پیامدها عبارت‌اند از: نگرانی از افشا، ترس از برخوردها و تنبیه‌های شدید خانواده و نگرانی از گیر افتادن توسط پلیس به عنوان پیامد قانونی

نگرانی از افشا

نتایج تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها مبین آن است که برخی از مصاحبه‌شوندگان بی‌اعتمادی به دوست دختر یا دوست پسر خود را دلیل نگرانی از افشا دانسته‌اند و برخی دیگر نگرانی از افشا را نتیجه اجتناب‌ناپذیر رابطه جنسی خود دانسته‌اند و نگران اتفاقات و پیامدهای بعد از افشا در خانواده، میان دوستان و مخصوصاً نگرانی از فهمیدن شوهر بعد از ازدواج بوده‌اند. برای مثال مریم ۱۷ ساله در پاسخ به سؤال به نظر تو این رفتار جنسی که الان با دوست پسرات داری چه نتایجی می‌تونه برات داشته باشه؟ گفته است:

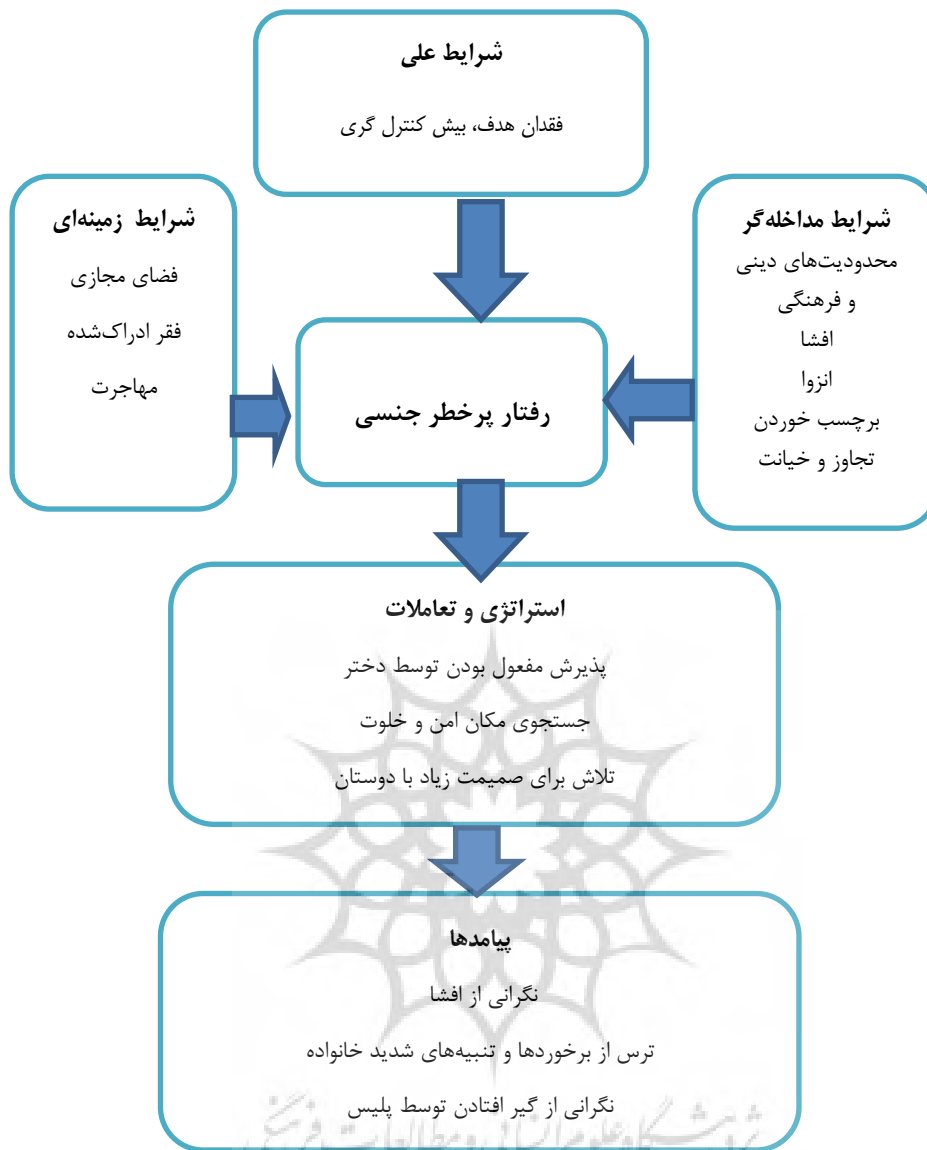
«شاید بعداً واسه ازدواجمون مشکل ساز باشه شاید خانواده

جنسی پرخطر به نوعی نارضایتی خود را از شرایط نامناسب جامعه ابراز کرده‌اند. همان‌طور که بیان شد اکثر نوجوانان شرایط نامناسب اقتصادی جامعه و ناتوانی از ازدواج کردن را در گرایش خودشان به رفتار جنسی تأثیرگذار دانسته‌اند و تصور بد از شرایط اقتصادی جامعه را در شروع رابطه دخیل دانسته‌اند. به عبارتی شرایط نامناسب اقتصادی جامعه و خانواده مسیر ازدواج را بسته است و نوجوانان راهی جز رفتار جنسی پرخطر برای برآوردن این نیاز ندارند. بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها می‌توان بیان داشت که شرایط اقتصادی ضعیف باعث کالا انگاری رابطه جنسی و نگاه کالایی به‌طرف مقابل در رابطه شده است، برای نمونه می‌توان به مفهوم‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها مانند «تمایل به رابطه جنسی به خاطر پول در صورت وضع مالی ضعیف، تمایل به خودفروشی در میان دختران در صورت فقیرتر بودن، گرایش به خریدن رابطه جنسی در شرایط مالی خوب بالا رفتن سطح کلاس رابطه جنسی در صورت پولدار بودن، ارتباط با پسر پولدار در صورت وضع مالی بالا، تأثیر اقتصاد جامعه در شروع رابطه» نگاهی دوباره کرد. بر همین اساس به نظر می‌رسد اقتصاد جامعه بر اکثر جنبه‌های رابطه جنسی و کنش‌های نوجوانان تأثیرات فراوانی داشته است. از طرف دیگر می‌توان بیان داشت وضعیت اقتصادی جامعه در کم و کیف گرایش آن‌ها به رفتار جنسی مؤثر بوده است، بدین شکل که اگر وضعیت اقتصادی بهتر و مناسب‌تری در جامعه وجود داشت با افزایش تمایل پسران برای ازدواج، میزان گرایش آنان به رفتار جنسی پرخطر کاهش پیدا می‌کرد و یا گرایش آنان به رابطه به‌نوعی تعدیل می‌شد و یا به شکل کنترل‌شده‌تری ادامه پیدا می‌کرد. همچنین تمایل به خودفروشی در میان دختران در صورت اوضاع اقتصادی نامناسب- تر اجتماعی دیده شد.

اطلاعاتی داری؟ آیا این پیامدها شامل شما هم می‌شود؟ و ممکن است شما را نیز درگیر کند؟ چرا با احتمال درگیر شدن با این پیامدها، بازهم این رفتارها را انجام می‌دهی؟ گفته است: «من فقط از اینکه گیر پلیس بیافتیم می‌ترسم. به خاطر همین زمانی که باهاش بیرون میرم دستم حلقه میندازم. اون موقع هم که میریم خونه خالی خیلی می‌ترسم که دوستاش یا همسایه هاشون ما رو به پلیس لو بدن. بعد برام پرونده درست شه و تو آینده نتونم تو سازمان های رسمی کار کنم. یه جورایی سابقه‌دار شم».

مقوله هسته «فرار از محدودیت‌های اجتماعی اقتصادی با رفتار پرخطر»

عوامل اقتصادی - اجتماعی فراوانی می‌توانند در گرایش نوجوانان به رفتار پرخطر جنسی نقش داشته باشند. در اینجا هدف بررسی تمام این عوامل نیست. به‌عبارت‌دیگر در این پژوهش به دنبال بر ساخت نوجوانان از این عوامل و نقش آنان در کم و کیف و چگونگی تأثیرشان در گرایش نوجوانان به رفتار پرخطر جنسی بوده‌ایم. بنابراین پس از بررسی و تحلیل مصاحبه‌ها، برخی عوامل اقتصادی - اجتماعی که در میان نوجوانان در تمایل آن‌ها به رفتار پرخطر جنسی نقش برانگیزاننده دارند، شناسایی گردید. این عوامل در چهار مقوله اصلی فقر ادراک‌شده، کسب درآمد، مهاجرت و محدودیت‌های فرهنگی دسته‌بندی شده‌اند. مصاحبه‌شوندگان از شرایط نامناسب اقتصادی خود و جامعه، کسب درآمد و تأمین نیازهای مالی به‌عنوان عواملی که آن‌ها را به سمت رفتار جنسی می‌کشاند، نام برده‌اند. همچنین محدودیت‌های دینی و فرهنگی نامناسب در جامعه و بی‌اعتمادی آن‌ها به مبلغان دینی و ساختار فرهنگی جامعه به‌نوعی حس مبارزه کردن و انتقام گرفتن از شرایط موجود را در آنان برانگیخته است و با انجام رفتار



شکل ۱. مدل پارادایمی پژوهش

نتیجه‌گیری و بحث

در پژوهش حاضر، فرایندهای زمینه‌ساز و چگونگی انجام رفتارهای پرخطر جنسی در نوجوانان شهر تهران مورد بررسی قرار گرفتند و اطلاعات با استفاده از نظریه زمینه‌ای به شکلی انتزاعی‌تر و در قالب مدل پارادایمی عرضه شده‌اند. شکل ۱ مبین روابط میان عناصری است که ضمن تفسیر و تبیین پدیده رفتار پرخطر جنسی در نوجوانان شهر تهران، امکان درک و فهم بهتر این پدیده را نیز فراهم می‌کند.

نوجوانی که در فضای خانوادگی نامناسب نمو می‌یابد و در آن

شاهد یکی از دو قطب متعارض غفلت و یا بیش کنترل گری قرار می‌گیرد، در نهایت صمیمیت اندکی را نسبت به خانواده ادراک می‌کند. همین مشکلات در محیط خانواده عاملی است برای رفتن به سمت تشکیل گروه‌های دوستی که در آن‌ها رفتارهای انحرافی به سرعت در میان نوجوانان سرایت می‌کند و به عنوان تحریک‌کننده محیطی همه اعضای گروه را درگیر رفتارهای تنظیم هیجانی ناسازگارانه مانند روابط جنسی می‌کند. اثرات سوق یافتن نوجوان به سمت گروه‌های دوستی انحرافی، موضوعی یک‌طرفه نیست چراکه عضویت در گروه‌های انحرافی منجر به فاصله گرفتن هر چه بیشتر

از خانواده و کاهش هرچه بیشتر فضای صمیمانه و دامن زدن به مشکلات آن می‌گردد. در پژوهش ابراهیم تبار، عمادیان و میرزاییان (۲۰۲۳) مشخص شده است که میان صمیمیت در خانواده و دفعات رابطه جنسی پرخطر رابطه منفی معنادار وجود دارد و اثربخش بودن آموزش‌های خانواده را در کاهش گرایش به رفتار جنسی پرخطر مورد تأیید قرار دادند. در همین راستا تحقیقات دیگری نیز نشان داده است که دریافت حمایت از جانب خانواده و دوستان، ارتباط رضایت از زندگی و امیدواری را با رفتارهای پرخطر تعدیل می‌کند (آذری قهفرخی، اناری شهیدی، شاه زمانی، ۱۴۰۲). همچنین مظفری و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهش خود با نام «شناسایی چپستی و چگونگی رفتارهای پرخطر در نوجوانان درگیر رفتارهای پرخطر: یک مطالعه‌ی پدیدارشناسانه» به این نتیجه رسیدند که آسیب‌های خانوادگی در کنار آسیب‌های دیگر موجب گرایش به رفتار پرخطر جنسی در میان نوجوانان هستند. این نتیجه با نظریه دلبستگی بالبی همخوانی دارد، که تأکید می‌کند نوجوانانی که از دلبستگی ایمن به والدین برخوردار نیستند، بیشتر مستعد گرایش به روابط ناسالم هستند. بر همین اساس به نظر می‌رسد تعامل دوسویه میان آسیب‌های خانوادگی و گروه‌های دوستی انحرافی منجر به تشدید رفتارهای پرخطر می‌شود، به گونه‌ای که نوجوانان از خانواده فاصله گرفته و صمیمیت خانوادگی کاهش بیشتری می‌یابد. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که آسیب‌های خانوادگی، از طریق کاهش دلبستگی ایمن، افزایش یادگیری اجتماعی از گروه‌های منحرف و تضعیف پیوندهای اجتماعی، نوجوانان را به سمت رفتارهای پرخطر سوق می‌دهد.

از طرفی فقدان هدف نیز وقتی در کنار سایر عوامل دیگر مانند فضای مجازی، استفاده نامناسب از اینترنت و محتوای جنسی قرار می‌گیرد نوجوانان را به سمت جستجو برای هیجانات خوشایند و رهایی از هیجانات منفی ناشی از فقدان جهت‌مندی می‌کشانند. زیرا وصل شدن مکرر به اینترنت، تحریک‌پذیری را تشویق می‌کند. بسیاری از مطالعات مقطعی نشان داده اند که اعتیاد به اینترنت و فضای مجازی می‌تواند منجر به بروز بسیاری از رفتارهای پرخطر مثل عدم تحرک جسمی و افزایش مصرف الکل و دخانیات شود تا جایی که نوجوان خودکنترلی خود را از دست داده و در مقابل

تکانش‌گری او افزایش پیدا می‌کند (گل‌پرور و زکی‌پور، ۱۴۰۱). لین و لیو (۲۰۲۰) نیز در پژوهش خود با موضوع استفاده از رسانه‌های جنسی و ارتباط آن با گرایش به رفتار پرخطر جنسی بیان کرده‌اند که به میزانی که استفاده از محتوای جنسی و استفاده از اینترنت به‌منظور دست‌یابی به چنین محتوایی، یکی از عوامل مؤثر در گرایش به رفتار پرخطر جنسی در میان نوجوانان می‌باشد. همچنین کوساسی و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهش خود با عنوان «عوامل تعیین‌کننده رفتار جنسی پرخطر در نوجوانان در اندونزی» نقش فضای مجازی در کنار عواملی دیگر مانند سن و محل اقامت فرد را بیان کرده‌اند. نظریات گوناگونی را می‌توان در ارتباط با این یافته مورد تحلیل قرار داد. در همین زمینه، نظریه خودتعیین‌گری به نقش نیازهای بنیادی روان‌شناختی و انگیزه‌های درونی نوجوانان اشاره دارد، نظریه تنظیم هیجان بر نحوه پردازش و مدیریت احساسات متمرکز است، نظریه فشار عمومی بر نقش عوامل اجتماعی و استرس‌های محیطی در بروز رفتارهای پرخطر تأکید دارد. به طور خلاصه، هر سه نظریه تأیید می‌کنند که نبود هدف می‌تواند نوجوانان را به سمت راهبردهای ناسازگارانه سوق دهد، اما هرکدام از زاویه‌ای متفاوت به این پدیده می‌پردازند. بر همین اساس، فقدان هدف به عنوان یک عامل مهم در گرایش نوجوانان به رفتار جنسی پرخطر است و یافته پژوهش حاضر تأیید می‌کند که فقدان هدف هنگامی که در کنار عوامل محرک دیگر مانند در دسترس بودن فضای مجازی و استفاده نامناسب از آن قرار گیرد، نقش برانگیزاننده بیشتری به خود می‌گیرد. یافته حاضر تبیین‌کننده این موضوع است که فقدان هدف چگونه به عنوان یک برانگیزاننده در گرایش به رفتار پرخطر جنسی بیشتر تقویت می‌شود و به نظر می‌رسد عوامل در دسترس بودن فضای مجازی و استفاده نامناسب از آن نقش برانگیزاننده فقدان هدف را در گرایش به رفتارهای جنسی تقویت می‌کنند.

وقتی در کنار سایر عوامل دیگر مانند فضای مجازی، استفاده نامناسب از اینترنت و محتوای جنسی قرار گیرد، می‌تواند نوجوانان را به سمت جستجو برای هیجانات خوشایند و رهایی از هیجانات منفی ناشی از فقدان جهت‌مندی می‌کشانند.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که برای کاهش تأثیرات منفی

بزهکار به‌سوی قربانی؛ آموزش مشاوران مدارس در مورد نحوه مواجهه با نوجوانان دارای رفتار پرخطر و همچنین رعایت اصل رازداری در برخورد با آنان؛ توجه دادن والدین در خصوص مهاجرت به کلان‌شهرها و اثرات آن بر احساس تنهایی و فقر ادراک‌شده توسط نوجوانان و پیشگیری از مهاجرت‌های غیرضروری را به‌عنوان پیشنهادات کاربردی این مطالعه بیان کرد.

ملاحظات اخلاقی

در این پژوهش تلاش شد تا کدهای اخلاقی مطرح‌شده توسط انجمن روانشناسی آمریکا^۱ (۲۰۰۲) و نظام‌نامه اخلاق حرفه‌ای روانشناسان و مشاوران موردتوجه قرار گرفته و به کار گرفته شوند. در ابتدای پژوهش ضمن ارائه توضیحات کافی به تمام داوطلبین شرکت در پژوهش در مورد اهمیت، شیوه، مدت و شرایط اجرای ارزیابی، از آن‌ها رضایت شفاهی برای شرکت در پژوهش گرفته‌شده است، ضمن اینکه به آن‌ها اعلام گردیده است که اجازه دارند در هر مرحله از ارزیابی از شرکت در تحقیق انصراف دهند. همچنین در این پژوهش به شرکت‌کنندگان درباره‌ی تحقیق و شرایط آن مانند مدت ارزیابی و محرمانه ماندن اطلاعات شخصی توضیح داده‌شده است.

سپاسگزاری

نویسندگان مقاله از تمامی مراکز و مشارکت‌کنندگانی که همکاری شایسته‌ای در انجام این مطالعه داشته‌اند، سپاسگزاری می‌کنند.

ناشی از فقدان هدف، باید به نیازهای روان‌شناختی نوجوانان توجه کرد، مهارت‌های تنظیم هیجان را تقویت نمود و محیط‌های اجتماعی حمایتی ایجاد کرد تا احتمال گرایش به رفتارهای پرخطر کاهش یابد.

همچنین مهاجرت خود زمینه‌ای برای انواع آسیب‌ها است که شامل طیفی از احساس تنهایی و انزوا تا عضویت در گروه‌های همسالان منحرف و همچنین ادراک فقر است، چراکه در کلان‌شهر تهران اغلب مهاجرت‌ها برای جستجوی شغل است و با توجه به هزینه‌های بالاتر زندگی در این شهر معمولاً مهاجرت به تنزل وضعیت اقتصادی و اجتماعی نسبت به محل زندگی قبلی منجر می‌شود. این یافته با نظریه فشار روانی-اجتماعی مرتون همخوانی دارد که بیان می‌کند افراد در شرایط فشار اقتصادی و اجتماعی ممکن است برای رهایی از استرس به روش‌های انحرافی روی آورند. بر همین اساس به نظر می‌رسد، مهاجرت می‌تواند بر فقدان هدفمندی و مشکلات خانوادگی نیز دامن بزند. این شرایط باعث افزایش احساس تنهایی، کاهش نظارت خانوادگی، و عضویت در گروه‌های منحرف می‌شود. مهاجرت همچنین اغلب با کاهش موقعیت اقتصادی همراه است که می‌تواند فقدان هدفمندی را تشدید کرده و نوجوانان را به سمت جبران این خلا از طریق هیجانات زودگذر و رفتارهای پرخطر سوق دهد.

در پایان مواردی از قبیل افزایش نظارت والدینی بر نوجوانان و تنها نگذاشتن آن‌ها در خانه؛ آموزش و ارتقای سواد رسانه‌ای والدین به‌منظور نظارت بر فرزندان در فضای مجازی؛ آموزش و ارتقای سواد رسانه‌ای نوجوانان به‌منظور پیشگیری از درگیر شدن با آسیب‌های این حوزه؛ آموزش فرزندپروری ویژه نوجوانی به والدین با هدف درک متقابل بیشتر والدین و نوجوان و افزایش صمیمیت در خانواده توسط سازمان‌های متولی ازجمله آموزش و پرورش؛ بسترسازی برای ایجاد شبکه‌های اجتماعی قومی، قبیله‌ای و زبانی از مهاجران به‌منظور افزایش حمایت اجتماعی، کاهش انزوا و کاهش رفتارهای ناپسند اجتماعی؛ حمایت روانی اجتماعی از نوجوانانی که دارای رفتارهای پرخطر هستند توسط مشاوران مدارس و سازمان‌های ذی‌ربط ازجمله بهزیستی؛ تغییر نگاه سازمان‌ها و بخصوص آموزش و پرورش نسبت به این نوجوانان از

References

- Alborzi, S., Movahed, M., Ahmadi, A., & Tabiee, M. (2019). Investigating high-risk sexual behaviors and related social and cultural factors among youth of Shiraz City. *Iranian Population Studies*, 5(2), 157-184. (in Persian). <https://doi.org/10.22034/jips.2019.11385>
- Azari Ghahfarrokhi, Z., Ansari Shahidi, M. and Shahzamani, M. (2023). Efficacy of Family-Based Social Support Training on the Social Adjustment and Self-Care Behaviors of the Cardiac Patients with the Signs of Depression (After Open Surgery). *Health Psychology*, 12(45), 95-112. (in Persian). <https://doi.org/10.30473/hpj.2023.62887.5476>
- Biyabangard, E. (2016). *Adolescent psychology*. Islamic Culture Press. (in Persian).
- Brooks Holliday, S., Ewing, B. A., Storholm, E. D., Parast, L., & D'Amico, E. J. (2017). Gender differences in the association between conduct disorder and risky sexual behavior. *Journal of Adolescence*, 56, 75-83. <https://doi.org/10.1016/j.adolescence.2017.01.008>
- Ebrahimtabar Gerdroodbari, E., Emadian, S. O., & Mirzaian, B. (2023). The effectiveness of Adler's parenting education program on school bonding and adolescent high-risk behaviors. *Journal of Applied Family Therapy*, 4(1), 19-33. (in Persian). <https://doi.org/10.22034/aftj.2023.326890.1367>
- Golipour, R. and Zakipour, F. (2023). Relationship between Cyberspace Addiction and Eating Problems: The Moderating Role of Self-Compassion. *Health Psychology*, 11(44), 89-104. (in Persian). <https://doi.org/10.30473/hpj.2023.61226.5381>
- Gurban Alizadeh, M. (2023). Epidemiology of high-risk behaviors in teenagers and young people. *The Second International Conference and the Fifth National Conference on Management, Psychology, and Behavioral Sciences*, Tehran. (in Persian). <https://civilica.com/doc/1770816>
- Khanjani, Z., & Sedaghatifard, M. (2021). The Relationship between Social Adjustment and High-Risk Sexual Behavior in Female High School Students. *Journal of Adolescent and Youth Psychological Studies*, 2(1), 108-116. (in Persian). <https://journals.kmanpub.com/index.php/jayps/article/view/468>
- Kosasih, C. E., Solehati, T., Utomo, W., Heru, H., & Sholihah, A. R. (2021). Determinant factors of high-risk sexual behavior pregnancy among adolescents in Indonesia. *Open Access Macedonian Journal of Medical Sciences*, 9(T6), 69-79. <https://doi.org/10.3889/oamjms.2021.7338>
- Lin, W. H., Liu, C. H., & Yi, C. C. (2020). Exposure to sexually explicit media in early adolescence is related to risky sexual behavior in emerging adulthood. *PLOS ONE*, 15(4), e0230242. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0230242>
- Lotfabadi, H. (2010). *Developmental psychology* (Vol. 2). Samt Press. (in Persian)
- Madise, N., Zulu, E., & Ciera, J. (2007). Is poverty a driver for risky sexual behaviour? Evidence from national surveys of adolescents in four African countries. *African Journal of Reproductive Health*, 11(3), 83-98. <https://doi.org/10.2307/25549733>
- Marashian, F. S. (2011). Mother's Role in Disposition of High Risk Adolescents Behaviors. *Woman Cultural Psychology*, 2(7), 109-122. (in Persian). <https://sanad.iau.ir/en/Journal/jwc/Article/920986>
- Mohammadpour, A. (2011). *Qualitative research method: Anti-method*. Sociologists Press. (in Persian)
- Mozafari, N., Bagherian, F., ZadeMohammadi, A., & Heidari, M. (2020). Identifying what and how high-risk behaviors in adolescents engaged in high-risk behaviors: A phenomenological study. *Etiadpajohi*, 14(56), 199-224. (in Persian). <http://dx.doi.org/10.29252/etiadpajohi.14.56.199>
- Shahhosseini, Z., & Hamzehgardeshi, Z. (2012). Adolescent health education promotion (based on high-risk behaviors and the needs of adolescents). Shelfin Press. (in Persian)
- Strathdee, S. A., Hogg, R. S., Martindale, S. L., Cornelisse, P. G., Craib, K. J., Montaner, J. S., O'Shaughnessy, M. V., & Schechter, M. T. (1998). Determinants of sexual risk-taking among young HIV-negative gay and bisexual men. *Journal of Acquired Immune Deficiency Syndromes and Human Retrovirology*, 19(1), 61-66. <https://doi.org/10.1097/00042560-199809010-00010>
- Zarghi, M. (2023). Comparison of high-risk behaviors of adolescent male and female students. *The 12th International Educational Conference of Psychology, Educational Sciences and Lifestyle*. (in Persian). <https://civilica.com/doc/1788142>